

نقش و تاثیر توسعه فرهنگی در توسعه پایدار

افشین ماهوشی

مدرس و پژوهشگر دانشگاه جامع علمی کاربردی و عضو کمیسیون آموزش و پژوهش اتاق بازرگانی اصفهان

مقدمه

تا چند دهه قبل اکثر صاحب نظران توسعه بیشتر بر مفهوم اقتصادی آن تاکید داشتند. اما به تدریج این وضعیت با شکست کشورهای که فقط معیارهای اقتصادی را در برنامه ریزی خود در دستیابی به توسعه گنجانده بودند تغییر یافت و همین موضوع موجب از دست رفتن مفهوم تک بعدی توسعه شد. امروزه برخی محققان، آینده پژوهان و سیاست گذاران بر این باورند که بعد از دوران درگیری های نظامی (در گذشته تا دهه ۱۹۷۰) و رقابت های اقتصادی (چند دهه اخیر تاکنون)، آینده، صحنه نبرد و رقابت فرهنگ های مختلف است. مسلماً هر ملتی که فرهنگ برتر داشته باشد پیروز میدان کارزار آینده است (چه در حوزه سیاست و چه اقتصاد) (این نگرش تا حد زیادی متأثر از نظریات برخورد تمدن ها و گفتگوی تمدن ها و فرهنگ ها نیز میباشد). به این ترتیب در آغاز قرن جدید، توسعه دیگر مفهومی فقط اقتصادی ندارد، بلکه نگاه ها بیش از همه به زمینه های فرهنگی-اجتماعی که توسعه در آن تحقق یافته و نیز شرایطی که به آن فرهنگ خاص مربوط می شود معطوف شده است و به طور کلی، فرهنگ و هنر بنیان جامعه را پی ریزی می کند و هر جامعه ای هر قدر هم که نوپا باشد، دوام و بقای آن مبتنی بر اصول فرهنگی است که هویت جامعه و افراد آن را می سازد. از سویی عوامل فرهنگی نقش ارزنده ای در توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست دارد، لازم است برای دستیابی به توسعه ای جامع، عوامل مثبت و منفی فرهنگی از همدیگر تفکیک شود، عوامل منفی (موانع فرهنگی) حذف و عوامل مثبت تقویت گردد. هویت فرهنگی و برخورداری از فرهنگی بالنده و پیشرو از عوامل ضروری و اساسی برای تحقق توسعه پایدار است. در واقع فرهنگ موتور توسعه پایدار است که بدون توجه به آن برنامه های توسعه موفقیت چندانی نخواهد داشت. لذا همه فرهنگ ها بایستی در گسترش دانایی جهانی مشارکت کنند. دانش جهانی نیز بایستی در خدمت تمامی بشریت باشد و در ایجاد درکی هر چه عمیق تر در همگان از طبیعت و جامعه مشارکت داشته و موجب تأمین بهترین کیفیت زندگی برای انسان ها شود و همچنین برای نسل حاضر و آینده محیط زیستی پایدار و سالم فراهم آورد.

مفهوم توسعه فرهنگی

توسعه فرهنگی به معنای حفظ هویت فرهنگی است و مفهوم حفظ هویت فرهنگی نیز پرهیز از تحول فرهنگی بر اساس درس گرفتن از جوامع پیشرفته تر نمی باشد بلکه بایستی با حفظ هویت فرهنگی به آرمان های نوسازی نیز متمسک شد، چرا که این آرمان ها زمینه های توسعه را در جوامع سنتی فراهم می آورد. به طور کلی توسعه فرایندی است پیچیده که طی آن جامعه از یک دوره تاریخی به دوره جدیدی منتقل می شود. این فرایند در هر مرحله از رشد خویش ابعاد مختلف زندگی را متحول می سازد. به این ترتیب توسعه مفهومی است ارزشی که همراه با فرض هایی هنجاری از الگوی انتزاعی از جامعه دلالت دارد. حال با در نظر گرفتن اهمیت زیربنایی مقوله فرهنگ، سوال اساسی این است که «چگونه می توان» و «چگونه باید» به امر «توسعه فرهنگی» پرداخت؟ تجربیات کشورهای مختلف در این زمینه بسیار حائز اهمیت است، اما به هیچ وجه نباید از این نکته نیز غافل شد که نسخه هیچ جامعه ای را نمی توان برای کشور دیگر هم پیچید. مطالعه و بررسی تجربیات ملل مختلف جهان، بخصوص تجربیات موفق، حاوی درس ها و پندهای بسیاری برای ماست که ابدا نمی توان بی تفاوت از کنار آن گذشت.

در حوزه توسعه فرهنگی، «سیاست فرهنگی» و «استراتژی فرهنگی»، دو محور اساسی می باشد. به طور خلاصه می توان گفت سیاست های فرهنگی، مجموعه تصمیمات کلان و چارچوب های قانونی خاصی هستند که حکومت ها برای حفظ و استقرار شرایط فرهنگی - اجتماعی مطلوب و مناسب در جامعه اتخاذ می کنند. به عبارت دیگر، سیاست های فرهنگی مایل به حفظ وضعیت فعلی جامعه (ایستایی نه تغییر و پویایی) هستند. شایان ذکر است سیاست های فرهنگی نوین و پیشرفته، ناظر به پویایی نظام مند و در نتیجه کند هستند. در مقابل استراتژی فرهنگی، ناظر به نحوه توسعه فرهنگی کشور (در راستای اهداف استراتژی کلان توسعه ملی) است و در واقع نحوه تغییر شرایط فرهنگی فعلی کشور به وضعیت مطلوب آینده را تعیین می کند. پس استراتژی فرهنگی، صریحا بر ایجاد «تغییر و بهبود» تاکید می ورزد و در یک کلام، حالت انفعالی (همچون سیاست های فرهنگی) ندارد بلکه حالت تهاجمی تر و پیشدستانه به خود می گیرد. لذا جهت هرگونه برنامه ریزی در خصوص توسعه پایدار، استراتژی فرهنگی همواره بعنوان شالوده «مهندسی فرهنگی» و «توسعه فرهنگی» مد نظر می باشد.

مفهوم توسعه پایدار

توسعه پایدار را می توان تلاش انسان برای برقراری آشتی میان پیشرفت و توسعه و حفاظت از محیط زیست و منابع موجود در جهان دانست. نظریه پایداری از یک سو ریشه در نظریات «توسعه» و از سوی دیگر ریشه در «محیط گرایی» دارد. به سخن دیگر، توسعه پایدار را می توان برآوردن نیازهای نسل حاضر بدون لطمه زدن به منابع مورد استفاده نسل های آینده در جهت برآوردن نیازهای طبیعی شان دانست. یکی از چالش های مهم در توسعه پایدار مبحث حفاظت از اکوسیستم و محیط زیست می باشد.

انسان به عنوان یک عامل فعال، همواره با منابع از جمله منابع طبیعی و محیط زیست سروکار دارد و تحت تأثیر سطح تکنیک، میزان سرمایه، ایدئولوژی، فرهنگ و مدیریت در ساختار اکوسیستم های طبیعی دخل و تصرف نموده و آنها را تبدیل به اکوسیستم های مصنوعی کرده است. بنابراین در نگرش توسعه پایدار منطقه ای، بعنوان بخشی از اکوسیستم جهانی، بایستی از بینش اکولوژیک برخوردار بود. از آنجا که محیط و توسعه به هم وابسته اند، اگر بتوانیم فرایند توسعه را به گونه ای جهت دهیم که حداقل خسارت و زیان به منابع طبیعی وارد آید، این یک جریان مداوم و یک امر پایدار خواهد بود. در جهان امروز، توسعه پایدار و حفظ محیط زیست باید بعنوان در فراز و هدف ارزشمند، یگانگی بوم شناختی طبیعت و جامعه را نه تنها در سطح کشورها بلکه در سطح کره زمین مورد توجه قرار دهند. منابع طبیعی در واقع استعدادهایی محیطی اند که بشر با کاربرد دانش و تکنولوژی می تواند برای تأمین نیازهایش با تولید کالاهای متنوع از آنها بهره برداری نماید. بنابراین لازم است پیش از اینکه در سطح جهان دچار صدمه شوند، از آنها محافظت و بهره برداری منطقی و معقول به عمل آید. شاید تحوّل فرهنگ بهره برداری و مصرف از مهمترین راههای مبارزه با تخریب محیط باشد. در زمینه تخریب محیط زیست و ناپایداری توسعه عوامل زیادی دخالت دارد که یکی از مهمترین آنها فقر است. فقر بزرگترین خطری است که ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و سلامت محیط کره زمین را تهدید می کند.

رابطه توسعه فرهنگی و توسعه پایدار

با توجه به اهمیت توسعه فرهنگی، باید تلاش نمود تا در تمام سیاست گذاری ها، برنامه ریزی ها، اقدامات و فعالیت های صورت گرفته در حوزه مدیریت فرهنگی، همواره بعد ارزشی فرهنگ را مورد توجه قرار داد. زیرا هرگونه برنامه ریزی در این حوزه بدون توجه به بعد معنوی فرهنگ اثربخش نخواهد بود. از سوی دیگر اثرات ابعاد معنوی فرهنگ از طریق: محصولات، آثار، فعالیت ها و مصرف فرهنگی در قالب سطح مشهود آن را میتوان مورد ارزیابی قرار داد. بنابراین برای بهبود آثار سیاست ها و اقدامات فرهنگی توجه متعادل به هر دو بعد فرهنگ

الزامی است. علاوه بر این هرگونه برنامه ریزی در حوزه فرهنگ باید کمال رسیدن استعدادها و شایستگی های انسان در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی را مورد توجه قرار دهد. از این حیث می باید میان برنامه ریزی فرهنگی و برنامه ریزی در حوزه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ارتباطی زنده و پویا طراحی نمود تا از مجرای آن امکان استفاده از ظرفیت های متقابل در راستای توسعه همه جانبه جامعه و کشور فراهم شود.

توسعه پایدار که مترادف با توسعه مدرن می باشد، به معنای فرهنگ جامع کار سازمانی و رفتار جمعی بوده که به بهبود و ارتقاء کارایی، کیفیت، شهرت، اعتبار، تنوع و توجه به مسائل زیست محیطی و یا در یک کلام به اعمال اصل هم افزایی می انجامد. فشارهای اعمال شده از جانب بازار و نهادهای قانونی، بنگاه ها را ملزم به دستیابی به اصل پایداری مینماید، اما بنگاه هایی که فاقد فرهنگ میباشند بیشتر مایل به تقلب هستند و به ارضای تقاضاهای قانونی و بازار توجهی ندارند.

نکته حائز اهمیت اینکه در مبحث توسعه پایدار، با توجه به شکست اغلب نظریات متداول توسعه، حضور مستقیم و فعال مردم شرط اصلی توسعه است. از این رو ارتقا فرهنگ رفتاری مردم در فرایند توسعه فرهنگی، یک امتیاز ملی محسوب می شود و یکی از اصول اساسی و زیربنایی توسعه پایدار است. بنابراین مردم در کانون توسعه پایدار قرار دارند. فرهنگ پویا و خلاق، شاه کلید جامعه مدنی است. این نکته که انسان وابسته به طبیعت یا در مقابل آن نیست بلکه جزئی از آن است، و اینکه بشر مالک زمین نیست بلکه در مالکیت آن است، باید به صورت زیربنای فرهنگ و نظام فکری درآید. ایجاد نوعی رابطه معنوی و اخلاقی با محیط از طریق فرهنگ و نظام ارزشی، منجر به حفاظت محیط زیست خواهد شد؛ زیرا این فرهنگ است که با ساختار، نهادها و ارزش های خاص خود، انسان را به جهان، محیط و طبیعت پیوند می زند، و از سوی دیگر وسیله و عامل برقراری ارتباط بین اعضای جامعه می گردد.

فرهنگ پویا قادر است نوعی انطباق، هماهنگی و همدلی نسبی بین فرد و محیط زندگی اش در یک جامعه آزاد و آگاه پدید آورد. مصنوعات فرهنگی و فرهنگ پذیری در جوامع انسانی در یک فرایند تحوّل، در نهایت راه رشد و تعالی انسان، فرهنگ و بهبود شرایط زیست محیطی را هموار می کند. بنابراین ارتباط آگاهانه و بی واسطه انسان با محیط زیست، یکی از شرایط اولیه توسعه پایدار است.

سخن پایانی

فرهنگ عنصری است که شامل همه کنش ها و واکنش های فرد و محیط پیرامون او با بعد زیرین زندگی گروه های اجتماعی می شود، یعنی مجموعه روش ها و شرایط زیست یک جامعه براساس بنیاد مشترکی از سنت ها و دانش و نیز اشکال مختلف بیان جایگاه فرد در درون جامعه، به هم پیوند خورده است و تنها با دخالت عوامل فرهنگی در راه حل های انتخاب شده برای توسعه میتوان به طور کامل نیازها و خواست های گروه های اجتماعی و ملت ها را بر آورده ساخت. شکل اصلی تمام فعالیت های نظام یک کشور از ماهیت فرهنگی آن، هویت و رنگ می گیرد. به عبارتی حفظ یک نظام گرچه به ظاهر، بستگی به پویایی و استقلال فعالیت های سیاسی و اقتصادی دارد، ولی نحوه فعالیت در اقتصاد و یا سیاستگذاری در بخش های دیگر متأثر از فرهنگ آن نظام اجتماعی است. فرهنگ، ارزش ها و باورهای آن، علت محدثه و ایجاد اقتصاد، سیاست و فعالیت های دیگر اجتماعی است. از این رو استقلال، موجودیت و تداوم آنها، بستگی به نوع فرهنگ یا ارزش ها و باورهایی است که این دو حرکت (اقتصادی و سیاسی - نظامی) بر پایه آن شکل گرفته اند. اکنون دیگر این اجماع اکثریتی وجود دارد که مبنای هر نوع توسعه، توسعه فرهنگی است و از آن جا که دغدغه اصلی دولت ها رسیدن به توسعه همه جانبه است و از آنجایی که مبنای این توسعه، انسان (موجودی فرهنگی) میباشد، زیربنای توسعه پایدار نیز توسعه فرهنگی خواهد بود.

بدیهی است برنامه ریزان توسعه با چالش های متعددی در دستیابی به شیوه ای برای وارد نمودن عوامل فرهنگی به مدل های تئوریک و تجربی است که تاکنون مورد استفاده اقتصاددانان بوده است، مواجهند. بنابراین ابتدا بسیاری از توصیفات فرهنگی رفتار با اهتمام دانشمندان علوم رفتاری و روانشناسی و جامعه شناسان و فرهنگ شناسان بایستی به مدل های کلی رفتاری تبدیل شود. سپس بر سر روش منطقی تجربی در کمی سازی متغیرهای فرهنگی موجود یا اینکه علیت ها بسیار پیچیده و چند متغیره میباشند مجادله شود. در این میان مفاهیم جدیدی مانند سرمایه اجتماعی نیز میتوانند منجر به بسط منابع داده ای و اطلاعاتی جدیدی شوند که آن نیز به نوبه خود به بیان و تشریح ارتباط بین ابعاد مدلسازی و قوم شناسی علوم اجتماعی می انجامد.

با توجه به آنچه بیان شد فرهنگ سازی و ترویج فرهنگی مولفه های پایداری در توسعه کشور، ضمن اینکه "تحول و تغییرات بنیادی در فرهنگ استفاده بهینه از منابع ملی" را موجب میشود، سبب تحکیم توسعه فرهنگی و به دنبال آن توسعه پایدار و اعتبار بین المللی ایران میگردد. بدیهی است برای رسیدن به چشم انداز توسعه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ بهره مندی از "نیروی ذهنی و تفکر خلاق همگانی" نقش بسزایی در توسعه فرهنگی و اقتصادی و در نتیجه توسعه پایدار دارد.

منابع و ماخذ

- ۱- اسماعیلی، رضا (۱۳۸۵) فرهنگ، مولفه ها و شاخص سازی فرهنگی، فرهنگ اصفهان شماره ۳۳
- ۲- اسلاتر، ریچارد (۱۳۸۶). نواندیشی در هزاره نوین، ترجمه: عقیل ملکی فر و همکاران، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی
- ۳- تجارت فردا (شهریور ۱۳۹۵) ضمیمه رورنامه دنیای اقتصاد. شماره ۱۹۰
- ۴- ژیرار، آگوستین. (۱۳۷۲). توسعه فرهنگی، تجارب و خط مشی ها. ترجمه عبدالحمید زرین قلم، پروانه سپرده و علی هاشمی گیلانی. مرکز پژوهش های بنیادی، چاپ اول.
- ۵- ملکی، صفی الله. (۱۳۸۸). نگاهی به جایگاه توسعه فرهنگی در سند چشم انداز و سیاست گذاری ها. روزنامه قدس، نشر ۸۸/۴/۲۷
- ۶- رفیع پور، فرامرز، توسعه و تضاد، کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.
- ۷- ماهوشی، افشین. فرهنگسازی تحقیق و توسعه. مجموعه مقالات همایش بین المللی R&D. وزارت صنایع و معادن جامعه مراکز R&D، زمستان ۱۳۸۰
- ۸- ماهوشی، افشین. میانی فرهنگ کارآفرینی. ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی. ۱۳۹۲